



سرشناسه: افتخاری، اصغر، ۱۳۴۷-
عنوان و نام پدیدآور: دانشنامه اندیشه سیاسی آیت الله مهدوی کنی
(رحمة الله علیه)/

مشخصات نشر: مشخصات ظاهری: ج. ۱. ق. ۱: مفاهیم و نظریه ها

شابك: ۹۶۱-۹-۲۱۴-۶۰۰-۹۷۸

موضوع: مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۱۰-۱۳۹۳- دیدگاه های سیاسی و اجتماعی

موضوع: مجتهدان و علما--ایران-- دیدگاه های سیاسی و اجتماعی

موضوع: اسلام و سیاست

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده بندی کنگره: ۵/ ۱۵۳۳ DSR

رده بندی دیویی: ۹۲/ ۰۸۲۴۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۱۵۴۶۹

دانشنامه اندیشه سیاسی

آیت الله مهدوی کنی (رحمة الله عليه)

جلد اول (قسمت اول):

مفاهیم و نظریه ها

تألیف

دکتر اصغر افتخاری (استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام)



دانشنامه اندیشه سیاسی
آیت الله مهدوی کنی (رحمة الله عليه)

مؤلف: دکتر اصغر افتخاری
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام
مشاور هنری: رسول خسرویگی
نسخه پردازی و نمایه سازی: رضا دیبا
چاپ و صحافی: سپیدان
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۱-۹۶۴-۲۱۴-۶۰۰-۹۷۸
چاپ اول: ۱۴۰۰
قیمت: ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

فروشگاه اینترنتی:

www.press.isu.ac.ir

E-mail: pub@isu.ac.ir

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

تقدیم به:

آستان مقدس امام حسن مجتبیٰ، کریم اهل بیت (علیهم السلام)

فهرست اجمالی

۲۷.....	پیشگفتار
۲۹.....	کلیات
۵۵.....	فصل اول: قدرت
۷۵.....	فصل دوم: کنترل قدرت
۸۹.....	فصل سوم: مشروعیت
۱۰۳.....	فصل چهارم: قانون و قانون‌گرایی
۱۲۳.....	فصل پنجم: «رویکرد اجتماعی» به سیاست
۱۴۷.....	فصل ششم: مردم و سیاست
۱۸۹.....	فصل هفتم: دولت
۱۹۷.....	فصل هشتم: حکومت اسلامی
۲۳۵.....	فصل نهم: تحزب
۲۵۵.....	فصل دهم: اصول «مخالفت»
۲۶۹.....	فصل یازدهم: انتخابات
۲۹۷.....	فصل دوازدهم: سیاست خارجی
۳۲۳.....	فصل سیزدهم: امنیت
۳۸۹.....	فصل چهاردهم: مقاومت
۴۰۳.....	فصل پانزدهم: مدیریت بحران
۴۲۳.....	نتیجه‌گیری
۴۳۳.....	فهرست منابع و مآخذ
۴۴۵.....	نمایه آیات
۴۴۷.....	نمایه روایات
۴۵۱.....	نمایه

فهرست تفصیلی

سخن ناشر.....	۲۳
پیشگفتار.....	۲۷
کلیات.....	۲۹
۱. تحول «علوم سیاسی» در جمهوری اسلامی ایران و جایگاه آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه) ...	۳۵
۲. زندگینامه اجمالی آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه).....	۳۲
۳. اهمیت و ضرورت پژوهش در اندیشه و عمل سیاسی آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه).....	۳۶
۴. انقلاب اسلامی و تحول «زیست سیاسی» در ایران.....	۳۸
۵. پیشینه مطالعاتی.....	۴۱
۶. روش شناسی.....	۴۵
۱-۶. اصول روش.....	۴۵
۲-۶. کاربرست روش.....	۴۷
۷. سازمان و ساختار تحقیق.....	۵۱
فصل اول: قدرت	۵۵
مقدمه.....	۵۵
۱. ماهیت قدرت.....	۵۵
الف. قدرت به مثابه پدیده‌ای پاک.....	۵۶
ب. قدرت به مثابه پدیده‌ای شرور.....	۵۶
پ. قدرت به مثابه پدیده‌ای خنثی.....	۵۷
۲. آسیب‌های قدرت.....	۶۱
الف. غفلت.....	۶۱
ب. ایجاد انحراف در تحلیل.....	۶۲

پ. سوءاستفاده از قدرت	۶۳
ت. توجیه «وسیله» به واسطه «هدف»	۶۳
ث. سیاسی‌کاری	۶۳
۳. انواع قدرت	۶۴
۳-۱. قدرت ایمانی (معنوی)	۶۴
۳-۲. قدرت تربیتی	۶۶
۳-۳. قدرت اخلاق	۶۷
۳-۴. قدرت سخت - قدرت نرم	۶۸
۴. جایگاه قدرت سخت	۶۹
۵. نسبت قدرت سیاسی و اجتماعی	۷۲
جمع‌بندی	۷۳
فصل دوم: کنترل قدرت	۷۵
مقدمه	۷۵
۱. سیاست‌های کنترل قدرت سیاسی	۷۶
۱-۱. موعظه	۷۶
۱-۲. سؤال	۷۸
۱-۳. بیان اشکال	۷۹
۱-۴. نقد نمودن	۸۰
۱-۵. نظارت	۸۰
۱-۶. مؤآخذ	۸۲
۱-۷. «حساب و کتاب نمودن»	۸۲
۱-۸. اعتراض	۸۳
۲. راهبردهای کنترل قدرت	۸۴
راهبرد (۱). قانون‌گرایی	۸۴
راهبرد (۲). استفاده از ظرفیت‌های «اسلام»	۸۵
راهبرد (۳). اخلاقی نمودن قدرت	۸۵
راهبرد (۴). اصلاح سازوکارهای اعمال قدرت	۸۶

فهرست تفصیلی □ ۱۱

۸۷	جمع بندی
۸۹	فصل سوم: مشروعیت
۸۹	مقدمه
۸۹	۱. تحلیل معنایی «مشروعیت»
۸۹	الف. مشروعیت قانونی
۹۰	ب. مشروعیت مردمی (مقبولیت)
۹۱	پ. مشروعیت الهی
۹۱	۲. بنیان گفتمانی «مشروعیت»
۹۱	الف. گفتمان سکولار
۹۲	ب. گفتمان شریعتمدار
۹۵	۳. فلسفه «مشروعیت»
۹۵	الف. مشروعیت به مثابه يك «حق انسانی»
۹۶	ب. مشروعیت به مثابه يك «حق الهی»
۹۷	۴. الگوی تحلیلی مشروعیت
۹۸	حالت اول. نصب خاص
۹۸	حالت دوم. نصب عام
۱۰۱	جمع بندی
۱۰۳	فصل چهارم: قانون و قانون‌گرایی
۱۰۳	مقدمه
۱۰۳	۱. اهمیت «قانون» و «قانون‌گرایی»
۱۰۴	۲. قانون‌گرایی در عمل
۱۰۹	۳. اصول
۱۱۰	اصل (۱). جمع بین ملاحظات بومی و تجارب دیگران
۱۱۰	اصل (۲). «اصل‌گرایی» معتدل
۱۱۱	اصل (۳). برتری «قانون شریعت» بر «قانون موضوعه»
۱۱۲	اصل (۳). رعایت مصالح عالی‌ه نظام
۱۱۴	اصل (۴). تفکیک قانون «ثابت» و «متغیر»

۱۱۵	اصل (۵). رعایت قوانین بین‌المللی
۱۱۷	۴. راهبردها
۱۱۷	راهبرد (۱). مشارکت مردمی در اجرای قانون
۱۱۸	راهبرد (۲). پیشگامی مسئولان و گروه‌های مرجع در عمل به قانون
۱۱۸	راهبرد (۳). نهادینه‌سازی مناسبات قانونی
۱۱۹	راهبرد (۴). نقد علمی «قانون»
۱۲۰	راهبرد (۵). تحمل هزینه «قانون‌گرایی»
۱۲۱	جمع‌بندی
۱۲۳	فصل پنجم: «رویکرد اجتماعی» به سیاست
۱۲۳	مقدمه
۱۲۳	۱. دیدگاه‌ها
۱۲۴	الف. رویکرد مبتنی بر «ابزار اجتماعی»
۱۲۴	ب. رویکرد مبتنی بر «بعد اجتماعی»
۱۲۴	پ. رویکرد مبتنی بر «ماهیت اجتماعی»
۱۲۵	۲. خاستگاه فلسفی
۱۲۵	۱-۲. ماهیت اجتماعی «احکام»
۱۲۶	۲-۲. نظریه «من اجتماعی»
۱۲۹	۳. نظریه «اجتماعی شدن» قدرت سیاسی
۱۲۹	مؤلفه (۱). ضرورت حضور قدرت اجتماعی در عرصه مدیریت سیاسی
۱۳۰	مؤلفه (۲). مشارکت اجتماعی سلبی و ایجابی
۱۳۱	۴. «حساسیت» امر اجتماعی
۱۳۱	الف. «ظهور اجتماعی» سیاست
۱۳۲	ب. تأثیر «قبیح فعلی» بر ارزیابی «اعمال اجتماعی»
۱۳۳	پ. راهبردهای مبتنی بر نظریه «قبیح فعلی» در عرصه سیاسی و اجتماعی
۱۳۵	ت. «نتایج اجتماعی» سیاست
۱۳۶	ث. «ریسک بالای عدم جبران» در حوزه اجتماعی
۱۳۷	ج. برخورد قاطع با مفاسد، جهت صیانت از جامعه (برخورد با مفسد فی الارض)

فهرست تفصیلی □ ۱۳

ج. «احتیاط» سیاسی و اجتماعی.....	۱۳۷
۵. «دولت اجتماعی».....	۱۳۹
دلیل اول. تقویت شخصیت شهروندی.....	۱۳۹
دلیل دوم. تقویت مسئولیت پذیری مردم.....	۱۳۹
دلیل سوم. جلوگیری از محرومیت معنوی مردم.....	۱۳۹
دلیل چهارم. دشوار شدن ارائه خدمات اجتماعی.....	۱۴۰
دلیل پنجم. جلوگیری از دیکتاتوری.....	۱۴۰
۶. نظریه «تدبیر اجتماعی» سیاست.....	۱۴۱
الف. مسئولیت اجتماعی.....	۱۴۱
ب. مشارکت سیاسی.....	۱۴۲
پ. مشارکت اجتماعی.....	۱۴۲
ت. تحول تدریجی «آگاهی اجتماعی».....	۱۴۳
جمع‌بندی.....	۱۴۵
فصل ششم: مردم و سیاست.....	۱۴۷
مقدمه.....	۱۴۷
۱. آموزه سیاست اسلامی در ارتباط با «مردم».....	۱۴۸
۱-۱. «خدمت به مردم».....	۱۴۸
۱-۲. توجه به «افکار عمومی» و جلوگیری از بروز «ناامیدی».....	۱۵۰
۱-۳. حالت‌های کسب «رضایت مردم».....	۱۵۰
۱-۴. گونه‌شناسی «خواسته‌های مردم».....	۱۵۲
۱-۵. جلب «حمایت مردم» توسط حکومت.....	۱۵۳
الف. فلسفه «رضایت».....	۱۵۳
ب. فلسفه سیاسی «رضایت مردم».....	۱۵۴
پ. ادله ضرورت «کسب رضایت مردم».....	۱۵۶
۱-۶. عدم نیاز مردم به «قیم».....	۱۶۰
۱-۷. «عدم تحمیل نظر» بر مردم.....	۱۶۱
۱-۸. التزام به «عهد ملی».....	۱۶۲

۱۶۲.....	۲. جامعه‌شناسی اصناف «مردم»
۱۶۲.....	الف. شاخص علم و گروه‌های سه‌گانه مردم: ربانی، عالم و احمق
۱۶۳.....	ب. شاخص «کتاب الهی» و گروه‌های سه‌گانه مردم: ظالم، مقتصد و سابق
۱۶۴.....	پ. شاخص ماهیت و گروه‌های دوگانه مردم: عوام و خواص
۱۷۰.....	۳. ارزیابی ارزش «رأی و نظر مردم»
۱۷۰.....	۳-۱. امکان وقوع اشتباه در نظر و رأی مردم
۱۷۱.....	۳-۲. ضرورت پذیرش «رأی مردم»
۱۷۱.....	۳-۳. ضرورت «هدایت مردم»
۱۷۴.....	۴. جامعیت «اسلامیت» نسبت به «جمهوریت»
۱۷۵.....	۵. مشروعیت حکومت و جایگاه رأی مردم
۱۷۵.....	۵-۱. فلسفه سیاسی «رأی مردم» و مشروعیت «حکومت اسلامی»
۱۷۹.....	۵-۲. «رأی مردم» و مشروعیت حکومت در عصر «حضور و غیبت»
۱۸۲.....	۶. نظریه «دین‌سالاری مردم»
۱۸۳.....	۶-۱. «سالار بودن»: «مردم» یا «ارزش‌های دینی»؟
۱۸۴.....	۶-۲. دین‌سالاری مردم
۱۸۵.....	۶-۳. نظریه «اذن الهی»
۱۸۶.....	جمع‌بندی
۱۸۹.....	فصل هفتم: دولت
۱۸۹.....	مقدمه
۱۸۹.....	۱. ضرورت دولت
۱۸۹.....	الف. نقد و نفی وجود «دولت»
۱۹۰.....	ب. تأیید ضرورت وجودی دولت
۱۹۱.....	یک. ضرورت اجتماعی (بیرونی)
۱۹۱.....	دو. ضرورت «ولایی» (درونی)
۱۹۳.....	۲. «رویکردها» به دولت
۱۹۳.....	اول. دولت به مثابه «حاکم»
۱۹۳.....	دوم. دولت به مثابه «حکمرانی»
۱۹۴.....	۳. «ویژگی‌های» حاکم

۱۹۵.....	جمع‌بندی.....
۱۹۷.....	فصل هشتم: حکومت اسلامی.....
۱۹۷.....	۱. معنای حکومت.....
۱۹۹.....	۲. فلسفه حکومت اسلامی.....
۱۹۹.....	۱-۲. رویکردها به اصل حکومت اسلامی.....
۲۰۰.....	الف. رویکرد مبتنی بر «اتصال».....
۲۰۰.....	ب. رویکرد مبتنی بر «انفصال».....
۲۰۱.....	۲-۲. غایت حکومت اسلامی.....
۲۰۱.....	اول. زمینه‌سازی برای تحقق «اعمال ولایت الهی».....
۲۰۳.....	دوم. هدایت‌گری.....
۲۰۴.....	سوم. عملیاتی نمودن احکام و اصول الهی.....
۲۰۶.....	چهارم. نظام‌سازی.....
۲۰۶.....	پنجم. زمینه‌سازی برای حکومت مهدوی (عج).....
۲۰۷.....	۳. «اختیارات - مسئولیت» های حکومت اسلامی.....
۲۰۷.....	۱-۳. رعایت احکام و حدود شرعی.....
۲۰۸.....	۲-۳. تولید دانش و تربیت نیروی انسانی.....
۲۱۱.....	۳-۳. اعمال قدرت.....
۲۱۲.....	۴-۳. تقویت و ترویج ارزش‌های اسلامی.....
۲۱۲.....	۵-۳. صیانت از حاکمیت.....
۲۱۴.....	۶-۳. نظارت و کنترل.....
۲۱۶.....	۴. مالکیت حکومت.....
۲۱۹.....	۵. مداخله حکومت در امور شخصی.....
۲۱۹.....	۶. روحانیت و حکومت.....
۲۲۴.....	۷. تفاوت حکومت اسلامی با سایر حکومت‌ها.....
۲۲۵.....	۱-۷. مبنا بودن ارزش‌های دینی و مصالح عمومی به صورت توأمان.....
۲۲۶.....	۲-۷. محدودیت اختیارات و مسئولیت‌ها به احکام و اصول الهی.....
۲۲۶.....	۳-۷. مبنا بودن «مسئولیت‌های تعیین شده از سوی خداوند متعال».....

۲۲۷.....	۸. حکومت و نظریه منطقه‌الفراغ.....
۲۲۷.....	الف. معرفی نظریه.....
۲۲۸.....	ب. ملاحظات انتقادی.....
۲۲۹.....	۹. فقه حکومتی.....
۲۲۹.....	الف. جایگاه فقه حکومتی.....
۲۳۰.....	ب. چیستی فقه حکومتی.....
۲۳۱.....	پ. مطالعه موردی فقه حکومتی؛ قاعده لاضرار.....
۲۳۱.....	یک. ماهیت حکومتی قاعده لاضرار.....
۲۳۲.....	دو. دلالت سیاسی قاعده لاضرار برای حکومت.....
۲۳۳.....	جمع‌بندی.....
۲۳۵.....	فصل نهم: تحزب
۲۳۵.....	مقدمه.....
۲۳۶.....	۱. جایگاه و انواع حزب.....
۲۳۷.....	۲. «حزبی نبودن» آیت الله مهدوی کنی.....
۲۳۹.....	۳. روحانیت و تحزب.....
۲۴۲.....	۴. دانشگاه و حزب.....
۲۴۳.....	۵. تحلیل تجربه تاریخی «جامعه روحانیت مبارز تهران».....
۲۴۳.....	الف. ساخت اجتماعی «جامعه روحانیت مبارز تهران».....
۲۴۴.....	ب. ساخت فکری «جامعه روحانیت مبارز تهران».....
۲۴۵.....	پ. هویت‌سازی سیاسی «جامعه روحانیت مبارز تهران».....
۲۴۵.....	ت. تضمین استمرار هویت سیاسی «جامعه روحانیت مبارز تهران».....
۲۴۶.....	ث. توسعه ساختاری و کارکردی «جامعه روحانیت مبارز تهران».....
۲۴۶.....	ج. «غیریت‌سازی» محتوایی و کارکردی «جامعه روحانیت مبارز».....
۲۴۸.....	چ. «نقش محوری» جامعه روحانیت مبارز.....
۲۴۸.....	۶. انشعاب حزبی و سیاسی.....
۲۴۹.....	الف. تحلیل انشعاب «روحانیون مبارز» از «جامعه روحانیت مبارز».....
۲۴۹.....	ب. تحلیل انشعاب «کارگزاران» از جریان «راست».....

۲۵۰.....	۷. حزب جمهوری اسلامی.....
۲۵۰.....	الف. ضرورت کار تشکیلاتی در قالب «حزب».....
۲۵۱.....	ب. رویکرد فقهی در مدیریت حزب جمهوری.....
۲۵۱.....	پ. نسبت «جامعه روحانیت مبارز» با «حزب جمهوری اسلامی».....
۲۵۲.....	ت. تحلیل چرایی توقف فعالیت حزب جمهوری اسلامی.....
۲۵۲.....	جمع‌بندی.....
۲۵۵.....	فصل دهم: اصول «مخالفت».....
۲۵۵.....	مقدمه.....
۲۵۵.....	اصل (۱). تناسب.....
۲۵۶.....	اصل (۲). تفکیک انگیزه-انگیخته.....
۲۵۷.....	اصل (۳). رعایت «شرایط و مصالح».....
۲۶۱.....	اصل (۴). شفافیت.....
۲۶۳.....	اصل (۵). اولویت دادن به «حقیقت» تا «شخصیت».....
۲۶۴.....	اصل (۶). پذیرش «مخالف».....
۲۶۷.....	اصل (۷). استقبال از دیدگاه مخالف.....
۲۶۷.....	اصل (۸). تحمل هزینه.....
۲۶۷.....	اصل (۹). رعایت اخلاق.....
۲۶۸.....	جمع‌بندی.....
۲۶۹.....	فصل یازدهم: انتخابات.....
۲۶۹.....	مقدمه.....
۲۶۹.....	۱. اهمیت «انتخابات».....
۲۷۰.....	۲. ارزش «رأی اکثریت مردم».....
۲۷۴.....	۳. ارزیابی سازوکارهای مخالفت با «رأی اکثریت».....
۲۷۵.....	الف. سیاست «کناره‌گیری».....
۲۷۶.....	ب. سیاست «مخالفت عملی».....
۲۷۷.....	پ. سیاست «قهر سیاسی».....
۲۸۰.....	ت. سیاست «حضور فعال و منتقدانه».....

۲۸۱	۴. عدم جواز «انتخابات» در عصر حضور
۲۸۲	۵. جواز مشروط «انتخابات» در عصر غیبت
۲۸۸	۶. ماهیت دوگانه انتخابات؛ هم حق و هم تکلیف
۲۸۸	اول. نظریه «انتخابات به مثابه حق»
۲۸۸	دوم. نظریه «انتخابات به مثابه تکلیف»
۲۹۱	۷. سلامت انتخابات
۲۹۱	الف. شفافیت اطلاعات
۲۹۲	ب. قانون‌گرایی
۲۹۲	پ. آزادی
۲۹۳	ت. عدم انحصار
۲۹۳	۸. حضور انتخاباتی روحانیت
۲۹۴	۹. تقلب
۲۹۶	جمع‌بندی
۲۹۷	فصل دوازدهم: سیاست خارجی
۲۹۷	مقدمه
۲۹۸	۱. اهمیت «روابط خارجی» و «دیپلماسی»
۳۰۰	۲. صدور انقلاب
۳۰۰	۱-۲. فلسفه صدور انقلاب
۳۰۳	۲-۲. اهداف صدور انقلاب
۳۰۴	۲-۳. شیوه مؤثر صدور انقلاب
۳۰۵	۲-۴. پیامدهای صدور انقلاب اسلامی
۳۰۵	۳. اصول سیاست خارجی
۳۰۶	اصل (۱). توجه به جایگاه عالی ملت‌ها
۳۰۶	اصل (۲). توجه به نقش محوری «دولت‌ها»
۳۰۷	اصل (۳). استقلال
۳۰۸	اصل (۴). عدم مداخله
۳۰۹	اصل (۵). حمایت از «حق» و ایستادگی در برابر «باطل»

فهرست تفصیلی □ ۱۹

۳۰۹	اصل (۶). حمایت از حرکت‌های آزادی‌بخش.....
۳۱۰	اصل (۷). اصالت صلح
۳۱۳	اصل (۸). تخصص‌گرایی
۳۱۳	اصل (۹). تولی و تبری
۳۱۴	اصل (۱۰). جهاد
۳۱۵	اصل (۱۱). الگو و راهنما بودن
۳۱۵	اصل (۱۲). اقدام «به موقع»
۳۱۶	اصل (۱۳). عدم حجیت رفتار اکثریت
۳۱۷	اصل (۱۴). رعایت (تا حد امکان) حقوق انسانی در برابر جبهه باطل
۳۱۸	اصل (۱۵). رعایت خطوط قرمز
۳۱۹	۴. تحلیل‌های مصداقی در سیاست خارجی
۳۱۹	۱-۴. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال آمریکا
۳۲۰	۲-۴. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی
۳۲۱	جمع‌بندی
۳۲۳	فصل سیزدهم: امنیت
۳۲۳	مقدمه
۳۲۳	۱. اهمیت امنیت
۳۲۴	الف. اهمیت نظری
۳۲۵	ب. اهمیت راهبردی
۳۲۶	ج. اهمیت کاربردی
۳۲۸	۲. اصول
۳۲۸	اصل (۱). رعایت اولویت‌ها
۳۳۱	اصل (۲). محوریت رهبری
۳۳۲	اصل (۳). رعایت سلسله مراتب
۳۳۳	اصل (۴). تفکیک حوزه‌های امنیتی
۳۳۵	اصل (۵). قاطعیت
۳۳۸	اصل (۶). کاربرد هوشمند قدرت

اصل (۷). حمایت از نیروی انسانی فعال در حوزه امنیت، ضرورت دوچندان دارد.....	۳۴۰
اصل (۸). تعهد.....	۳۴۱
اصل (۹). قوت ساختاری.....	۳۴۱
اصل (۱۰). حاکمیت نگرش فراجزبی.....	۳۴۲
اصل (۱۱). ارتقای درک امنیتی جامعه.....	۳۴۴
اصل (۱۲). برخورد فعال.....	۳۴۶
اصل (۱۳). سلامت.....	۳۴۷
اصل (۱۴). بهبود شرایط.....	۳۴۷
۳. گونه‌شناسی امنیت.....	۳۴۸
۳-۱. امنیت اجتماعی.....	۳۴۸
۳-۲. امنیت سیاسی.....	۳۵۳
۳-۳. امنیت نظامی.....	۳۵۳
۳-۴. امنیت اقتصادی.....	۳۵۴
۳-۵. امنیت معنوی.....	۳۵۶
۳-۶. امنیت اخلاقی.....	۳۵۸
۴. عوامل ناامنی.....	۳۵۹
۴-۱. عوامل داخلی.....	۳۵۹
عامل ناامنی (۱). ضعف ساختاری.....	۳۵۹
عامل ناامنی (۲). مسئولان نالایق.....	۳۶۱
عامل ناامنی (۳). ضعف دولت.....	۳۶۱
عامل ناامنی (۴). روحیه تسلیم و سازش‌کاری.....	۳۶۲
۴-۲. عوامل خارجی.....	۳۶۳
عامل ناامنی (۵). دشمن.....	۳۶۳
عامل ناامنی (۶). محارب و حامیان آن.....	۳۶۳
عامل ناامنی (۷). گروهک‌ها.....	۳۶۴
۴-۳. عوامل ترکیبی.....	۳۶۴
عامل ناامنی (۸). نفوذ.....	۳۶۴

فهرست تفصیلی □ ۲۱

۳۶۵	عامل ناامنی (۹). مصادره انقلاب
۳۶۷	۵. دیدگاه‌های نظری در موضوع امنیت
۳۶۸	۱-۵. «نظریه امنیت مطمئنه» در برابر «نظریه امنیت گورستانی»
۳۷۱	۲-۵. نظریه توازن امنیتی
۳۷۳	۳-۵. نظریه امنیت مشترك
۳۷۴	۴-۵. نیت و تهدید
۳۷۵	۶. کمیته انقلاب اسلامی
۳۷۶	۱-۶. فلسفه وجودی کمیته انقلاب اسلامی
۳۷۶	۲-۶. جایگاه کمیته انقلاب اسلامی
۳۷۷	۳-۶. جریان‌های سیاسی و تعیین مسئول کمیته انقلاب اسلامی
۳۷۸	۴-۶. حفظ کمیته انقلاب اسلامی
۳۷۹	۵-۶. ارتقای عملکردی و جایگاه کمیته‌های انقلاب اسلامی
۳۸۰	۶-۶. دیدگاه‌ها در خصوص استمرار فعالیت کمیته انقلاب اسلامی
۳۸۳	۷-۶. انحلال کمیته‌های انقلاب اسلامی
۳۸۵	۷. موضوعات امنیتی
۳۸۵	۱-۷. ارزش امنیتی «جهاد»
۳۸۶	اول. «جهاد» به مثابه راهبردی جامع در حوزه امنیت‌سازی
۳۸۶	دوم. جهاد و کاربرد «زور»
۳۸۷	۲-۷. جاسوسی
۳۸۸	جمع‌بندی
۳۸۹	فصل چهاردهم: مقاومت
۳۸۹	مقدمه
۳۹۰	۱. تحلیل ماهیت مقاومت
۳۹۰	۱-۱. مقاومت و «تولی - تبری»
۳۹۰	۲-۱. مقاومت و «لجاجت»
۳۹۱	۲. ضد مقاومت
۳۹۱	۱-۲. سازش تاکتیکی

۳۹۱	۲-۲. صلح منفی
۳۹۲	۳. اصول مقاومت
۳۹۲	اصل اول. مقاومت و آگاهی
۳۹۳	اصل دوم. مقاومت و مسئولیت
۳۹۴	اصل سوم. داشتن «رویکرد فعال»
۳۹۶	اصل چهارم. عمل بر مبنای «شاخص»
۳۹۷	اصل پنجم. هوشیاری
۳۹۸	اصل ششم. امیدواری
۳۹۸	۴. سیاست‌ها و راهبردهای دشمن در برابر «مقاومت اسلامی»
۳۹۸	سیاست (۱). تأیید و ترویج «فرهنگ سازش»
۳۹۹	سیاست (۲). سازش‌کاری
۳۹۹	سیاست (۳). آتش بس
۳۹۹	سیاست (۴). عقد قرارداد با رژیم صهیونیستی
۳۹۹	سیاست (۵). اولویت دادن به مذاکره
۳۹۹	سیاست (۶). «مذاکرات مخفی»
۴۰۰	سیاست (۷). دوستی با «دوست دشمن»
۴۰۰	سیاست (۸). تحمیل جنگ به عناصر اصلی جبهه مقاومت
۴۰۱	سیاست (۹). انحراف اذهان
۴۰۱	جمع‌بندی
۴۰۳	فصل پانزدهم: مدیریت بحران
۴۰۳	مقدمه
۴۰۴	۱. بحران تبریز
۴۰۴	الف. تبیین بحران
۴۰۵	ب. تحلیل آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه)
۴۰۶	پ. اقدام آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه) برای مدیریت بحران
۴۰۹	ت. سیاست آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه)
۴۰۹	۲. بحران «باند سیدمهدی هاشمی»

فهرست تفصیلی □ ۲۳

۴۰۹.....	الف. تبیین بحران.....
۴۱۰.....	ب. تحلیل آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه).....
۴۱۰.....	پ. اقدام آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه) برای مدیریت بحران.....
۴۱۲.....	ت. سیاست آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه).....
۴۱۳.....	۳. بحران خوزستان.....
۴۱۳.....	الف. تبیین بحران.....
۴۱۳.....	ب. تحلیل آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه).....
۴۱۵.....	پ. اقدام آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه) برای مدیریت بحران.....
۴۱۵.....	ت. سیاست آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه).....
۴۱۵.....	۴. بحران اصفهان.....
۴۱۵.....	الف. شناخت بحران.....
۴۱۶.....	ب. تحلیل آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه).....
۴۱۷.....	پ. اقدام آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه) برای مدیریت بحران.....
۴۱۹.....	ت. سیاست آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه).....
۴۲۰.....	جمع بندی.....
۴۲۳.....	نتیجه گیری.....
۴۲۵.....	یک. سیاست و سعادت.....
۴۲۵.....	دو. ماهیت شرگونه قدرت.....
۴۲۵.....	سه. استفاده از منابع سخت و نرم قدرت.....
۴۲۶.....	چهار. کنترل قدرت.....
۴۲۶.....	پنج. مشروعیت الهی با مقبولیت مردمی.....
۴۲۶.....	شش. قانون و قانون گرایی.....
۴۲۷.....	هفت. قدرت اجتماعی.....
۴۲۷.....	هشت. حساسیت اجتماعی امور سیاسی.....
۴۲۷.....	نُه. تدبیر اجتماعی سیاسی.....
۴۲۷.....	ده. رضایت مردمی در چهارچوب اصول گفتنانی اسلام.....
۴۲۸.....	یازده. جامعه شناسی اصناف مردم.....

۴۲۸.....	دوازده. ارزش رأی مردم.....
۴۲۸.....	سیزده. دین‌سالاری مردم.....
۴۲۸.....	چهارده. نظریه دولت.....
۴۲۹.....	پانزده. نظریه حکومت اسلامی.....
۴۲۹.....	شانزده. فقه حکومتی.....
۴۲۹.....	هفده. روحانیت و حکومت.....
۴۲۹.....	هجده. تحزب.....
۴۲۹.....	نوزده. مخالفت و نقد.....
۴۳۰.....	بیست. انتخابات.....
۴۳۰.....	بیست و یک. روابط خارجی.....
۴۳۰.....	بیست و دو. امنیت جامع و فراگیر.....
۴۳۱.....	بیست و سه. مقاومت.....
۴۳۱.....	بیست و چهار. مدیریت بحران.....
۴۳۳.....	فهرست منابع و مآخذ.....
۴۴۵.....	نمایه آیات.....
۴۴۷.....	نمایه روایات.....
۴۵۱.....	نمایه.....

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخگویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی، و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آن که ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر

مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) باتوجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌ها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیشگفتار

«سیاست» به عنوان فعالیتی که بر محور ایده «تدبیر امور جمعی» قرار دارد، از دیرباز مدنظر متفکران بوده و شاهد تولید و عرضه طیف متنوعی از دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و الگوها هستیم که امروزه به عنوان علوم سیاسی از آن‌ها یاد می‌شود. با این حال باید توجه داشت که تحلیل «تبار» سیاست و «سیر تحول» دانش سیاسی در جوامع گوناگون نشان از آن دارد که بازیگران اصلی عرصه سیاست به صرف فلاسفه و نظریه‌پردازان منحصر نشده و گونه‌های متفاوتی از بازیگران در این حوزه به ایفای نقش پرداخته‌اند. در این میان نقش و جایگاه «شخصیت»‌ها، درخور توجه بوده و می‌توان بخش قابل توجهی از «علوم سیاسی» را تحت تأثیر مستقیم و یا غیرمستقیم افرادی دانست که اگرچه دارای دانش آکادمیک سیاست نبوده‌اند؛ اما در حوزه سیاست‌ورزی حضور داشته و عمل سیاسی را مدیریت نموده‌اند. از این منظر یکی از منابع اصلی در مطالعه «سیاست بومی»، پرداختن به اندیشه و عمل سیاسی شخصیت‌های مؤثر در تحولات جامعه است.

«آیت‌الله مهدوی کنی» (ره) از جمله شخصیت‌های برجسته‌ای است که در تاریخ تحول اجتماعی و سیاسی ایران، نام او ماندگار خواهد بود. دلایل متعددی برای این ماندگاری می‌توان ذکر نمود؛ از آن جمله: شخصیت اخلاقی ایشان که علی‌رغم حضور آیت‌الله مهدوی کنی در متن معادلات قدرت، همچنان به عنوان ویژگی و وصف برجسته ایشان مطرح بوده و تأکید داشتند که باید سیاست را در چهارچوب اخلاق تحلیل و تدبیر نمود. نقش برجسته ایشان در پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)؛ حضور متعهدانه و مسئولانه در مناصبی که رهبری انقلاب بر آن تأکید داشته‌اند؛ اقدام ابتکاری و راهبردی ایشان برای تأسیس دانشگاه امام صادق (ره) و تصدی ریاست این دانشگاه که ثمرات نظری و عملی قابل توجهی برای تبیین و ترویج گفتمان علوم انسانی اسلامی داشته است؛ و ملاحظاتی از

این قبیل بیانگر این نکته مهم است که ایده‌ها و اصول عملی آیت الله مهدوی کنی (علیه السلام) در حوزه سیاست و سیاست‌ورزی، بخش قابل توجه و مهمی از میراث سیاسی جامعه ما را شکل می‌دهد که شایسته شناخت، تحلیل، و فراگیری است. این پژوهش با چنین رویکردی تحقیق و تألیف شده و امید می‌رود در توسعه و تقویت «گفتمان اسلامی - ایرانی سیاست» مؤثر باشد. (ان شاء الله)

محقق، خداوند متعال را بابت این توفیق سپاس گفته و امیدوار است پژوهش حاضر مصداقی از ادای دین به مکتب علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و ریاست فقید دانشگاه، آیت الله مهدوی کنی (علیه السلام)، به حساب آید؛ و در تبیین و تقویت گفتمان سیاست اسلامی مؤثر باشد. لازم است در این خصوص از مساعدت همیشگی خانواده‌ام یاد نمایم که در این تحقیق هم، مرا همراه بودند. همچنین از همکاران خوب دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله مهدوی کنی (علیه السلام) و بویژه ریاست محترم آن دفتر، دوست ارجمندم آقای دکتر عادل پیغامی، تشکر می‌نمایم که با حمایت خود و ارائه اسناد مورد نیاز، به انجام و تقویت این پژوهش کمک نمودند. آقای محسن خدادادی نیز در تایپ متن همراهی نمودند که از تلاششان تقدیر می‌شود.

ولله الحمد

اصغر افتخاری

پنجشنبه ۱۴۰۰/۰۲/۲۳. عید سعید فطر ۱۴۴۲

کلیات

مقدمه

تأمل در سیر تکوین و تحول دانش سیاسی حکایت از آن دارد که «علوم سیاسی» در تعامل با مؤلفه‌های محیطی و توسط طیف متنوعی از متفکران و یا مدیران سیاسی، هویت و توسعه یافته است. بر این اساس یکی از سیاست‌های مؤثر جهت شناخت زوایای این علم و تحلیل ابعاد مختلف آن، آشنایی با اندیشه و عمل این گروه از متفکران و مدیران است. با این توصیف، در بحث از «سیاست اسلامی» و «مدیریت سیاسی» در جمهوری اسلامی ایران، یکی از شخصیت‌هایی که به طور قطع لازم است اندیشه و عمل سیاسی او مورد بررسی و تحلیل علمی قرار گیرد؛ آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته‌الله علیه) می‌باشد.

۱. تحول «علوم سیاسی» در جمهوری اسلامی ایران و جایگاه آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته‌الله علیه)

اگرچه در خصوص تبیین چیستی و ماهیت «علوم سیاسی» دیدگاه‌های متنوع و حتی معارضی وجود دارد، اما از منظری پدیدارشناسانه می‌توان همه این مباحثات را بخشی از تاریخ علوم سیاسی در ایران به شمار آورد. در گستره علوم سیاسی ایران، می‌توان از وجود دو گفتمان اصلی سراغ گرفت که با عناوین علوم سیاسی سکولار و اسلامی از آن‌ها یاد می‌شود. با تأمل در مبادی و سیر تحول هر دو گونه مزبور از علوم سیاسی، چه در ایران و یا در سایر کشورها، مشخص می‌شود که مبانی اولیه آن را باید در دو کانون اصلی زیر سراغ گرفت:

کانون اول. متفکران عرصه سیاست نظری

این گروه از متفکران از رهگذر طراحی نظام‌های فکری و کاربست روش‌های تحلیل منطقی؛ به تولید مبانی فلسفی، نظریه‌ها و طراحی الگوهایی اقدام نموده‌اند که امروزه زمینه اصلی

علوم سیاسی را شکل داده و منبع اصلی در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های علوم سیاسی به حساب می‌آیند. این گروه از متفکران در قالب سنت‌های علمی و فکری مختلفی فعالیت نموده و عناوین متفاوتی را به خود اختصاص داده‌اند؛ اما همه در این ویژگی اشتراک دارند که تولیدات نظری ایشان در چهارچوب استانداردهای علمی زمانه‌شان عرضه شده و دغدغه «علمی بودن» را داشته‌اند. برای مثال می‌توان به سنت‌هایی چون فلسفه سیاسی، اندیشه سیاسی و یا کلام سیاسی اشاره داشت که بنیان‌های معرفتی و روش‌شناختی علوم سیاسی بر آن‌ها استوار است.

کانون دوم. بازیگران عرصه سیاست عملی

بازیگران حوزه عمل سیاسی در سلسله‌مراتب مختلفی ظاهر شده و با عناوینی چون رهبران، مدیران ارشد، فعالان نهادهای مدنی، گروه‌های اجتماعی، و حتی مردم عادی از آن‌ها یاد می‌شود. در واقع وجه عینی دانش سیاسی را می‌توان در زندگی روزمره مشاهده نمود. تبارشناسی علوم سیاسی حکایت از آن دارد که این بخش از سیاست در هر جامعه‌ای سرنوشت یکسانی نداشته و در قالب سازوکارهای مختلفی شکل گرفته است؛ سازوکارهایی چون: تجربه‌نگاری، فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، الگوی مدیریت سیاسی، شیوه‌های مشارکت سیاسی و یا استفاده متفکران گروه نخست از تجارب این گروه برای تحلیل و طراحی نظریه و الگو.

آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام) از شخصیت‌های برجسته حوزه و دانشگاه است که با توجه به دوگانه بالا، می‌توان چنین اظهار داشت که از هر دو بعد به موضوعات علم سیاست توجه داشته است.

اول. بعد نظری شخصیت آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام)

شخصیت علمی آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام) نشان از وجود دقت‌های فلسفی قابل توجهی توسط ایشان در مبانی علم سیاست اسلامی دارد که شایسته تحلیل و ارائه در سطح نظریه‌پردازی است. در همین ارتباط می‌توان به تحلیل‌های فلسفی و ورود تفصیلی ایشان به حوزه فقه سیاسی اشاره داشت که دلالت بر رویکرد علمی و دقیق ایشان در حوزه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی دارد. همچنین می‌توان به اهتمام آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام) به تأسیس

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و تجربه مدیریتی ایشان در این دانشگاه اشاره داشت که مؤید جایگاه والای علمی ایشان هم در سطح تحلیلی و هم مدیریت علمی کشور است.^۱

۱. در این خصوص می‌توان به تجربه علمی دانشجویانی که رساله و یا پایان‌نامه خود را با آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه) داشته‌اند؛ اشاره داشت. نگارنده توفیق انجام چند فعالیت علمی با آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه) را داشته که همگی آن‌ها از دقت نظر علمی بالا و اتقان مبانی فلسفی مباحث نزد ایشان، حکایت دارد. برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

الف. اینجانب رساله دکتری خود را با عنوان «مصلحت و سیاست در اسلام با تأکید بر دیدگاه شیعه» با راهنمایی آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه) دفاع نمودم. در جریان این پژوهش، علی‌رغم حجم بالای این اثر (بیش از ۶۵۰ صفحه)، آیت‌الله مهدوی کنی، تمام مطالب را به صورت هفتگی مطالعه و ملاحظات و نکات خود را در حاشیه متن می‌نوشتند و برنامه زمانی مشخصی را در هفته برای اینجانب مقرر داشته بودند که در خصوص آن مطالب بحث می‌شد و در نهایت متن اصلاح و آماده برای طی مراحل بعدی می‌شد. در جریان این گفتگوها، اینجانب به يك الكوی رفتاری علمی ایشان پی برده بودم و آن هم اینکه ایشان در خصوص اشکالات و یا نکاتی که یادداشت می‌کردند؛ دو نوع مواجهه داشتند. به این صورت که در ابتدای جلسه، من گزارش اصلاحات را در خصوص موارد مشخص شده ارائه می‌دادم. اگر در موردی، نکته اصلاحی برای من ابهامی داشت، ایشان مجدداً و به صورت شفاهی مشکل را تبیین می‌نمودند تا مسئله روشن شده و اصلاح بر آن اساس صورت گیرد. البته ایشان در برخی موارد، بر اصلاح نکته مورد نظرشان اصرار نمی‌کردند و تصریح داشتند که این يك نظر در میان سایر نظرها است و شما به عنوان دانشجوی دکتری لازم است خودتان تأمل نموده و يك دیدگاه را بپذیرید. به عبارت دیگر ایشان اشکالات را در دو دسته عملاً قرار می‌دادند؛ مواردی که اصلاح آن در رساله لازم است صورت گیرد؛ و مواردی که ایشان نظر شخصی‌شان را ارائه کرده‌اند، اما اصلاح آن تابع انتخاب دیدگاه مختار از سوی دانشجو است که می‌تواند دیدگاهی متفاوت با نظر ایشان هم باشد. از این منش علمی ایشان بسیار آموختم و در مراحل بعدی پژوهش به سان سرمایه‌ای روشی - تا به امروز - الحمدلله، برای من مطرح بوده است.

ب. در زمانی که اینجانب مسئولیت معاونت پژوهش دانشگاه امام صادق (علیه السلام) را بر عهده داشتم و ۷ سال فرصت معاونت آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه) را در حوزه پژوهش یافتیم؛ یکی از برنامه‌هایی که طراحی و اجرایی شد؛ فعال‌سازی دفتر نشر آثار ایشان بود. اینجانب به عنوان مسئول این برنامه سعی در شناسایی و نشر آثار ایشان از طریق انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام) را داشتم و الحمدلله گام نخست با همه دشواری‌ها برداشته شد. در آن زمان اینجانب دقت علمی آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه) را به وضوح دیدم. ایشان علی‌رغم کارهایی که داشتند، تمام این متون را مجدداً ملاحظه، اصلاح و سپس اجازه نشر را می‌دادند.

ج. به هنگام تدوین و انتشار کتاب «دانش و ارزش» که موضوع محوری آن دانشگاه اسلامی بود؛ پس از انتشار، ایشان ملاحظات علمی‌ای را بیان داشتند که حکایت از تأمل فلسفی ایشان در موضوع را داشت. اهمیت این بحث علمی چنان بود که درخواست اینجانب جهت نگارش مقاله‌ای در موضوع را پذیرفتند و این مهم صورت گرفت و در چاپ دوم کتاب، مقاله ایشان به عنوان مقدمه تحلیلی اثر درج گردید. بررسی محتوای آن مقاله، نشان از دقت‌های علمی و فلسفی ایشان در موضوع دارد که هنوز هم تأمل در آن‌ها راهگشا است.

تجاریبی از این دست نشان می‌دهد که شخصیت علمی آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه) به مراتب برتر و جلوتر از شأن اجرایی ایشان بود. و همین امر می‌طلبد تا مطالعات دقیق علمی از این منظر در اندیشه و عمل ایشان صورت پذیرد.

دوم. بعد عملی شخصیت آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام)

از سوی دیگر، آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام) در بطن تحولات انقلاب اسلامی قرار داشته و افزون بر آن متعاقب تأسیس جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت‌های مختلف مدیریتی^۱ را عهده‌دار بودند که تأثیر مهمی در مدیریت تحولات سیاسی کشور داشته است. با تأمل در فهرست مسئولیت‌های سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی، مشخص می‌شود که ایشان یکی از ارکان مدیریت سیاسی در کشور بوده‌اند و این موضوع دارای اهمیت بسیار است.

همه این ملاحظات ما را به آنجا رهنمون می‌شود تا از اندیشه و عمل سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام) به عنوان يك منبع معتبر برای ورود به حوزه راهبردی «علوم سیاسی بومی» (اسلامی و ایرانی) یاد نماییم. وصف «معتبر» دلالت بر اتقان مبنایی اندیشه‌های ایشان و همچنین «سلامت کاربردی» آن دارد که از اطلاق عنوان «سیاستمدار صادق» به ایشان توسط مقام معظم رهبری، قابل استنباط است. به این ترتیب می‌توان چنین اظهار داشت که دغدغه اصلی اثر حاضر شناخت و تبیین ظرفیت‌های اندیشه و عمل سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام) برای تقویت مکتب علمی سیاست اسلامی است.

۲. زندگینامه اجمالی آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام)^۲

آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی به تاریخ ۱۳۱۰/۰۵/۱۴ در روستای کن و در خانواده‌ای مذهبی متولد شد. پدر ایشان (اسدالله کنی) نسبت به مذهب بسیار وفادار و حساس بود و علاقه داشت که فرزندان او در کسوت روحانیت به تبلیغ دین اهتمام نمایند. بنابراین محمدرضا پس از طی تحصیلات مقدماتی در کن، این روستا را به سال ۱۳۲۴ (در سن چهارده سالگی) ترک نمود تا بتواند به تحصیل علوم دینی بپردازد. برای این منظور ابتدا به مدرسه سپهسالار و پس از چند روزی، به مدرسه لرزاده رفت. این مدرسه با توجه به شخصیت علمی مؤسس آن و برنامه‌های تعلیمی و تربیتی اش، دارای شهرت و اهمیت بود و آقای مهدوی سه سال در

۱. عناوین مهمترین این مسئولیت‌ها در ادامه مقدمه آورده شده که حکایت از تجربه مدیریتی قابل توجه و مؤثر ایشان در عرصه مدیریت سیاسی دارد.

۲. اطلاعات این قسمت از سایت دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، صفحه آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام) در ویکی شیعه، سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام)، به تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۴ اقتباس شده است.

آنجا به تحصیل مشغول بود. مؤسس و سرپرست این مدرسه آیت الله علی اکبر برهان^۱ بود که آیت الله مهدوی کنی نسبت به ایشان علاقه و ارادات بسیار داشت. در سال ۱۳۲۷ (در سن ۱۷ سالگی) برای ادامه تحصیل به قم مهاجرت کرد و تا سال ۱۳۴۰ دروس فقه، اصول فقه، تفسیر، حکمت، کلام، خارج فقه و اصول را فرا گرفت. از جمله اساتید ایشان می توان به

۱. آیت الله علی اکبر برهان متولد ۱۳۲۴ قمری در تهران و درگذشته ذی الحجه ۱۳۷۸ قمری، (۱۳۴۰ شمسی، در مکه مکرمه) از فقها، مجتهدین و اساتید برجسته حوزه علمیه تهران و مؤسس مدرسه علمیه در مسجد لرزاده می باشد. وی از جمله روحانیونی بود که با تأسیس مدارس کلاسیک، در صدد مقابله با اهداف حکومت پهلوی در امر آموزش و پرورش بود. مدرسه علمیه لرزاده در تهران، دبستان و دبیرستان پسرانه و دخترانه برهان و مدرسه علمیه برهانیه شهرری، از جمله مدارسی هستند که ایشان مؤسس آن بوده اند. وی همچنین کودکان دخترانه و پسرانه ای داشت که خود، آنها را سرپرستی می کرد و به آموزش و پرورش کودکان اشتغال داشت.

آیت الله مهدوی کنی نسبت به آیت الله برهان علاقه وافر داشت و به عنوان اولین استاد خودش، از او و سبک زندگی و معنوی ایشان به نکویی یاد نموده و در تعبیری چنین بیان داشته است:

«برهان و ما ادراک برهان... برای فهمیدن اهمیت کار مرحوم آیت الله برهان باید از اوضاع آن زمان اطلاعاتی داشته باشیم. بعد از شهریور ۲۰ که متفقین ایران را اشغال کرده بودند و پهلوی اول رفته بود و شرایط کشور به شدت آشفته بود؛ مدارس علمیه و موقوفات عموماً در دست دولت بود، از جمله مدرسه مروی که در آن زمان تعطیل بود و موقوفات این مدرسه هم به غارت رفته بود و دولت این مدرسه را تبدیل به دبیرستان کرد... آن زمان تهران کمتر مدرسه ای داشت که دارای طلبه باشد. امام خمینی (علیه السلام) در مورد این مسئله در آن زمان فرمودند که وقتی آیت الله حائری در قم مدرسه فیضیه را تأسیس کردند، روزها مدرسه از ترس مأمورین تعطیل بود و طلاب روزها به روستاهای اطراف می رفتند و شب هنگام برای درس به مدرسه فیضیه می آمدند... مرحوم برهان به خاطر شرایط آن زمان اصرار داشت که زود طلبه ها را معمم کند؛ چون در تهران طلبه کم بود. می خواست با این کار از رفتن آن ها جلوگیری کند و من را در سن ۱۵ سالگی در روز عید غدیر با اینکه لباس روحانیت نداشتم با قبای خود، مرا معمم کرد و وقتی به خیابان آدم مردم به من می گفتند شیخ کوچولو!... مرحوم برهان با دست خالی مدرسه و مسجد لرزاده را ساخت. در آن زمان این منطقه زمین های زراعی بود که ایشان این زمین ها را خرید و بنای مدرسه و مسجد را با این معماری زیبا نهاد. مدرسه مرحوم برهان در ایران برجسته بود و این در زمانی بود که طلبگی احترامی نداشت و دولت وقت موقوفات و علما را از بین برده بود... ایشان در عین حالی که فردی بسیار تمیز و مرتب بودند و همواره بر لباس اتو کشیده طلاب تأکید داشتند، اما با نوع تربیت خاصی که نسبت به طلاب داشتند آن ها را افرادی سختکوش تربیت کردند به همین جهت در زیر شکنجه های سخت رژیم پهلوی شاگردان ایشان توانستند مقاومت کنند... این سبک زندگی است که سازنده است و به تنهایی عقیده کافی نیست؛ یعنی در کنار درس اخلاق از همه مهمتر عمل به اخلاق باید وجود داشته باشد. مرحوم برهان برای تأمین هزینه های مدرسه لرزاده چندین بار خانه اش را گرو گذاشت چون به شدت به بحث روحانیت اهمیت می دادند. من در میان همه اساتیدم، مرحوم برهان را هیچگاه فراموش نمی کنم». (به نقل از: سایت خبر آنلاین به تاریخ رویت ۱۴/۰۱/۱۴۰۰).

آیات عظام آقایان علی مشکینی، عبدالجواد سده‌ای (جبل عاملی)، ابوالحسن شعرانی، مجاهدی، سلطانی، رفیعی قزوینی، علامه طباطبایی، آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله گلپایگانی، و امام خمینی (علیه السلام) اشاره داشت. حوزه اصلی و مورد علاقه ایشان «اخلاق» است که با عنوان استاد اخلاق در هر دو حوزه نظر و عمل از ایشان یاد می‌شود. مهمترین زمینه‌های فعالیت علمی آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام) عبارتند از: تدریس خارج فقه، تدریس آیات الاحکام اقتصادی، و تدریس در حوزه اخلاق اسلامی. لازم به ذکر است که در حوزه سیاست اسلامی، ایشان به تناسب در دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ارائه بحث و تدریس داشته و راهنمایی پایان‌نامه و رساله‌های تحقیقاتی مهمی را در این حوزه عهده‌دار شده‌اند.

گذشته از مباحث علمی، آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام) از سنین نوجوانی در جریان آشنایی با نهضت امام خمینی (علیه السلام)، وارد مسیر مبارزه انقلابی با رژیم پهلوی شد و در این ارتباط توسط ساواک دستگیر، زندانی و شکنجه شده است. صبر و تحمل او زبانزد انقلابیون بود و از او به عنوان انقلابی‌ای فعال، فکور و صبور یاد می‌شود. از سال ۱۳۴۲ آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام)، امام جماعت مسجد جلیلی در میدان فردوسی می‌شود و در اندک زمانی این مسجد را به پایگاه مهمی برای مبارزه سیاسی با رژیم پهلوی تبدیل می‌نماید. این مسجد متعاقباً توانست به عنوان الگویی موفق در اداره مسجد در تراز انقلاب اسلامی تبدیل شود.^۱

در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مهدوی کنی از سوی امام خمینی (علیه السلام)، در پُست‌های مختلفی منصوب و برای تحکیم پایه‌های نظام اسلامی تلاش بسیار نمود. از جمله مسئولیت‌های ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره داشت که نشان از توان مدیریتی و اشراف ایشان به موضوعات حوزه سیاست عملی دارد:

- عضویت در شورای انقلاب (ایشان یکی از ۵ روحانی‌ای بود که هسته اصلی شورای انقلاب را شکل می‌دادند)؛

۱. این موضوع در نوشتاری مستقل توسط محقق به بحث گذارده شده است. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که آیت‌الله مهدوی کنی مستند به گفتمان اسلامی و سیره نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم)، رویکردی حداکثری را نسبت به مسجد و کارکردهای آن قبول داشتند که بر مبنای نقش محوری مسجد در تربیت سیاسی و اجتماعی و همچنین مرکزیت آن در مدیریت اجتماعی، قرار دارد. همین ایده است که در مسجد جلیلی عملیاتی شده و شاهد ارائه الگوی تربیتی با کارکردهای سیاسی و انقلابی از سوی این مسجد با امامت جماعتی ایشان هستیم. جهت مطالعه بیشتر مراجعه شود به: پورجعفری صدرآباد و افتخاری، ۱۳۹۷.

- سرپرستی کمیته‌های انقلاب اسلامی؛
- عضویت به عنوان یکی از فقهای شورای نگهبان قانون اساسی (دو نوبت)؛
- نماینده امام خمینی (علیه السلام)، در هیئت حل اختلاف مسئولان نظام؛
- وزیر کشور (در کابینه دولت‌های آقایان رجایی و باهنر)؛
- کفیل نخست وزیری (متعاقب شهادت آقایان رجایی و باهنر)؛
- عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی به حکم امام (علیه السلام)؛
- عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی به حکم امام (علیه السلام) و پس از آن به حکم مقام معظم رهبری؛
- مسئولیت ستاد کمک‌رسانی به مردم مناطق بمباران شده؛
- عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی؛
- ریاست مرکز رسیدگی به امور مساجد؛
- عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
- ریاست مجلس خبرگان؛
- مؤسس، بنیان‌گذار و دبیر کلی جامعه روحانیت مبارز؛
- تولیت حوزه علمیه مروی به همراه موقوفات وابسته، به حکم امام خمینی (علیه السلام)؛
- امام جمعه موقت تهران (۱۳۶۱ تا مراد ۱۳۶۴)؛
- تأسیس و ریاست دانشگاه امام صادق (علیه السلام)^۱.

آیت‌الله مهدوی کنی در ۱۴ خرداد ۱۳۹۳ بعد از شرکت در مراسم ارتحال بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، دچار عارضه قلبی شد و پس از آنکه ماه‌ها در حالت اغما بود، در ساعت ۹ صبح روز سه‌شنبه، ۲۹ مهر ۱۳۹۳ در بیمارستان شهید رجایی، در سن ۸۳ سالگی رحلت نمود. مراسم تشییع و خاکسپاری ایشان روز پنج‌شنبه، ۱ آبان پس از اقامه نماز توسط رهبر معظم انقلاب در دانشگاه تهران و با حضور گسترده مردم، علما، و مسئولان انجام شد. مقبره ایشان طبق وصیت‌شان، در آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی و در کنار قبر حاج ملاعلی کنی (علیه السلام) می‌باشد. در پی ارتحال آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام)، رهبر معظم انقلاب در

۱. تأسیس و ریاست دانشگاه امام صادق (علیه السلام) به عنوان اقدام راهبردی، ابتکاری و مهم ایشان در عرصه علم و تربیت، ارزیابی می‌شود که در معرفی و بنیان‌گذاری مکتب علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، نقش محوری داشته است.